

انس باقرآن

جلسہ دوم



سر فصل مباحث جلسه ۲۴

قرآن عامل رشد دهنده ایمان

قرآن ایمان چه کسانی را افزایش می دهد؟

شرط افزایش ایمان

تسلیم محض بودن (یعنی ته ته ته دل مقاومت نکنی)

دو راه برای تسلیم محض شدن

تمرین اوامر درشت خدا

غلط کردم (استغفار غلیظ)

هیچ چیز مثل قرآن ایمان انسان رو افزایش نمی دهد.

اگر شما با معجزه ایمان بیاری ممکنه با دیدن چیزی خلاف معجزه ها ایمان خودتون رو از دست بدید.

اگر شما با معجزه ی تار عنکبوت ایمان بیاورید ممکنه با دیدن زخم های شدیدی که در جنگ به پیامبر رسید ایمانتون رو از دست بدید

بگید پس کو اون خدایی که محافظت می کرد از جان ایشون.

اگر با دیدن آدم های خوب ایمان بیاورید ممکنه با دیدن آدم های بد ایمانتون رو از دست بدید.

***اما اگر کسی با قرآن ایمان بیاره ، با قرآن ایمانش افزایش پیدا بکنه ، این ایمان ایمان راسخی است. این رشد رشد جو گرفته نیست ، موجی نیست که فرو بنشیند.**

البته قرآن به هر کسی ایمان نمی دهد ، قرآن فقط به مؤمنین اجازه می دهد.

(ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ، بقره ﴿2﴾)

قرآن با کتابهای تبلیغاتی فرق می کند ، قرآن در خودش هم جاذبه دارد هم دافعه .

اما دیوان حافظ فقط جاذبه است ، دافعه هایی هم داره اما نه به قدر قرآن.

حتی گاهی ما منبری ها می خوایم قرآن بگیم ، گزینش می کنیم قرآن را می گوئیم ، می گیم ممکنه مردم خوششون نیاد.

*لذا به این خاطر اگر قرآن کسی رو جذب کرد او رها شدنی نیست او دفع شدنی نیست.

اگر قرآن دل کسی رو برد اون دل خراب شدنی نیست.

قرآن هر دلی رو تحویل نمی گیرد : هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

قرآن اصرار بر دست گیری از همه ندارد ، یه مایه ای از تقوا باید درونت باشه.

خیلی چیز عجیبی است در اول قرآن.

هدایت با قرآن هدایت بدون ضلالت، ما سعی کنیم با قرآن هدایت بشیم.
برخی در بلا سیمشون وصل میشه اون فایده ای نداره با قرآن سیمت وصل شه.
مثال قرآنیش: کسانی که در کشتی هنگام بلا خدا رو یاد میکنند اما وقتی کشتی به ساحل رسید باز هم خدا رو فراموش میکنند.

با قرآن باید تربیت شد ، و **این شرطی دارد.**

* که شرطش این است که کسی به محضر قرآن رسید خودش رو تسلیم به قرآن کند.
کنار قرآن تصمیم نگیره ، خودش رو تسلیم کنه.

به جای این که بگوید چرا کنار اون آیه ، این آیه رو آورد ، این چرا هایی که گاهی از جنس چرا های حضرت موسی (ع) به خضر نبی بود؛ همون سؤال های خوب ها.

نیاییم کنار قرآن پرسش گرانه برخورد کنیم.

پرسش مُتَمَلِّذَانَه (اسم فاعل تَلْمُذ) با پرسش معترضانه متفاوت. نظر ندیم.

تسلیم باشیم بگیریم خوب تو بگو چی می خوای بگی!

وقتی کسی تسلیم باشه به ترتیب آیات ، رابطه ی بین آیات قرآن رو می فهمه.

وقتی کسی تسلیم باشه به این که خدا در آخر آیه چرا این توبیخ رو مطرح فرمود ، یا این تشویق رو مطرح فرمود و ... در نهایت تسلیم بودن ، قرآن رو بخونی ، انگار حس می کنی کم کم که چرا آخر آیه این مطلب بیان شد.

درجات تسلیم خیلی متفاوته

برخی گوشه ی دلشون یه چیز هایی می گویند.

چرا حضرت خضر دیگه با حضرت موسی هم سفر نشد. گفت من فقط سؤال کردم.

خدا که خدای خضر نبی است ، از پیامبرش خیلی حساس تر است.

آداب ظاهری می خواهد ما رو به آداب باطنی بکشاند ، که در رأسش تسلیم محض محض بودن است. البته ما می تونیم سؤال بکنیم ؛ این قسمت این آیه رو نفهمیدیم ، این نوع سؤال هیچ اشکالی نداره ؛ منتها موضع نداشته باشه قلبمون ، موضع نگیره و این امر لطیفه.

از کجا بفهمیم قلبمون موضع گرفته؟ چگونه شاخصه تعیین کنیم؟

معلومه که نمی شه شاخصه تعیین کرد چون اگه می شد حضرت موسی (ع) یه فکری برای خودش کرده بود. یه چیزه خیلی ظریفی است.

راه حل اول: راه سختی هم داره که شما برید و دست ما رو هم بگیرید:

اون جایی که خدا امر درشت کرده تسلیم وار امرش رو بپذیریم کم کم اون نکات ریز هم درست می شود. در اوامر او مقاومت نکنی معالم قرآنی به دلیل عدم مقاومت بر تو جاری خواهد شد.

من چگونه ته ته دلم را مقاومتش را در هم بریزم که قرآن را بنوشم؟ و مقاومت نداشته باشم در برابر قرآن؟ شما در اوامر درشت خدا (مثل امر به نماز و روزه و...) این رو تمرین کنی ؛ کم کم اون ته ته دلت هم میریزه بیرون.

آیه ای است در قرآن که اغلب درگیری خداوند را با کفار مطرح می کند: (سوره محمد)

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مِمَّا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ﴿٩﴾

(این بدان سبب است که آنان آنچه را خدا نازل کرده است خوش نداشتند و [خدا نیز] کارهایشان را باطل کرد)

این ها به خاطر اینکه خوششون نیومد از ما انزل الله ، کراهت داشتند ، یعنی مقاومت کردند ؛ مقاومت می کنی ، خوشت نیومد فاحبط اعمالهم.

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهُمْ ﴿10﴾

(مگر در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها بودند به کجا انجامیده ست خدا زیر و زبرشان کرد و کافران را نظایر [همین کیفرها در پیش] است)
مگر ندیدند که قبل از این‌ها بودند کسانی مانند این‌ها من با این‌ها چیکار کردم؟
دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ یعنی زیر و رو شون کردم.

مقاومت یه چیز خیلی پنهان و عجیبیه.

خدایا در اون اوامر روشن که به ما دادی تو اون جا مقاومت ما رو در هم بشکن.

اون جا مقاومت نکنی آماده می شویم آن ته ته دل مقاومتی نداشته باشد.

راه اول بیان شد.

راه حل دوم: برای اینکه مقاومت برابر قرآن آن ته ته دل نداشته باشیم.

قبل از دادن راه حل آیا این بحثی که ما می کنیم اهمیت فراوانی دارد یا نه ذوقی است؟

سند اهمیت بحث: اولین آیات نازل شده به پیامبر (ص)

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ ﴿6﴾ ، حداقل طغیان انسان مقاومت است.

خدایا هر نوع مقاومتی رو مقابل قرآن کریم در دل ما از بین ببر.

توی تبلیغات میاد در خونه سه تا برگه می اندازه ، چهار تا می اندازه ، می‌گه عیبی نداره صد تا هم بندازیم یکیش رو

می بینه ؛ اما قربون خدا برم یه آیه از قرآنش رو تو دل کسی نمی اندازه - قرآن خیلی ناز داره.

راه دوم (هدیه ی سر آشپز)

استغفار - خدایا غلط کردم مقاومت آدم رو می شکنه ، مقاومت ته ته دل آدم رو می شکنه .
قرآن فقط به آدم های خیلی تسلیم خودش رو نشون می ده.

معذرت خواهی های خیلی غلیظ نه رقیق.

اگه شما آینه ی ماشینت بخوره به آینه ماشین دیگه می گی آقا ببخشید ، علامتش چیه که این قدر رقیقه؟
این است که اگه طرف یه چهار تا حرف برداره بهت بزنه ، می گی آقا چه خبرته ، حالا چی شده مگه ، حالا ما آقایی کردیم گفتیم ببخشید اصلا ببخشید .
معلوم میشه اون بخشیدت خیلی جدی نبود .

غلطی هم که نکردم ولی شما ببخشید دیگه. این جور ی نگیم الهی العفو.

فرازی از دعای کمیل

که امیر المؤمنین (ع) آخرش نشون می ده که من بخشیدم خیلی غلیظه ، می دونی چیکار می کنه ؟
*آخرش میگه این همه من گفتم (من رو نبر جهنم) ، بازم آخرش من رو جهنم ببری من دوست دارم ، بپر من دوست دارم هر چی تو بگی. تو حق داری من رو ببری جهنم نبخش تو حق داری ولی فقط بگم من دوری تو رو طاقت ندارم .

خدایا بهترین ترانه های زندگی ما رو ترنه های آیات قرآن قرار بده .
ما رو به مدد اهل بیت به باطن قرآن آشنا بفرما .